

جنبش مردمی علیه داعش در ایران گسترش می یابد

صفحه ۲



داعش، چرا امروز؟

مصاحبه مریم نمازی با حمید تقوائی در برنامه
تلویزیونی نان و گل سرخ

صفحه ۴

"گل همینجاست، همین جا برقص!"

گفتگو با علی جوادی پیرامون کنگره ۹ حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۶

ویژگی جدید اعتصابات کارگری

اصغر کریمی

صفحه ۷

با تمام قوا به حمایت از مردم قهرمان کوبانی برخیزیم!

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۷۸

جمعه ۱۸ مهر ۱۳۹۳، ۱۰ اکتبر ۲۰۱۴

پیام به کنگره ۹ حزب کمونیست کارگری

صفحه ۹

"علیه تبعیض" در رسانه های سوئد

گفتگو با مهین علیپور

صفحه ۱۲

اگر هنوز ریحانه زنده است، به دلیل حضور شما است!

مینا احدی

صفحه ۱۴

گزارش تصویری از روز جهانی نجات ریحانه در شهرهای مختلف جهان

صفحه ۱۶

روز جهانی کودک را به روز اعتراض علیه بی حقوقی کودکان بدل کنیم

نهاد کودکان مقدمند

صفحه ۸

جنبش مردمی علیه داعش در ایران گسترش می یابد



در چند روز اخیر موجی از اعتراضات به جنایات داعش و حمایت از مردم شهر کویانی که زیر حملات داعش است، در شهرهای مختلف ایران به جریان افتاد که بسیار مهم است. هزاران نفر از مردم در تهران، سنندج، کرمانشاه، همدان، پاوه، بوکان، سقز، ارومیه، جوانرود، تبریز، مهاباد و مریوان، و پیرانشهر در همبستگی با مردم کویانی به خیابان آمدند و علیرغم اینکه نیروهای جمهوری اسلامی در مواردی تلاش کردند مانع ادامه این تجمعات شوند، اعتراضات و اعلام پشتیبانی از مردم کویانی جریان یافت. این حرکت انسانی و پیشرو را باید ارج گذاشت و هرچه بیشتر گسترش داد. بشریت متمدن باید علیه ارتجاع اسلامی و فاشیستی متحد و یکپارچه به میدان بیاید و این طلایه ایجاد جبهه وسیع انسانی علیه ارتجاع فاشیستی و اسلامی است. در اعتراضات روزهای اخیر شعارهایی چون مرگ بر داعش، مرگ بر دولت فاشیست ترکیه، داعش جنایت میکند، ترکیه حمایت میکند، در فضا طنین انداخت. گزارش مختصری از این اعتراضات را اینجا ملاحظه میکنید:

تهران:

امروز ۱۷ مهر نزدیک به ۱۵۰۰ نفر از مردم در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران تجمع کردند و بر علیه داعش و حامیان و در حمایت از مردم کویانی فریاد سردادند. بنا به گزارشی که دریافت کرده ایم نیروی انتظامی جمهوری اسلامی تلاش کرد مردم را متفرق نماید اما تجمع کنندگان به شعار دادن خود ادامه میدادند. شعارهای مرگ بر ارتجاع، مرگ بر داعش و مرگ بر فاشیست طنین انداخته بود. شماری از دانشجویان دانشگاههای تهران نیز در مقابل سفارت ترکیه دست به تجمع زده و شعار مرگ بر داعش و مرگ بر دولت فاشیست ترکیه سردادند.

همچنین روز گذشته ۱۶ مهر نیز نزدیک به دو هزار نفر از مردم آزادیخواه در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران تجمع کردند. در این تظاهرات حضور جوانان و زنان چشمگیر بود. تظاهرات ساعت ۴ عصر شروع شد و شعارهای مرگ بر داعش، زنده باد مردم کویانی، مرگ بر دولت فاشیست ترکیه طنین گسترده ای داشت. در بخشی از این تظاهرات شعار زنده باد سوسیالیسم نیز شنیده میشد. لازم به یادآوری است که صبح روز سه شنبه ۱۵ مهر نیز جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در محکومیت داعش و دفاع از مردم کویانی و علیه دولت

ترکیه در مقابل سفارت ترکیه دست به تجمع زدند.

سنندج:

امروز ۱۷ مهر تظاهراتی در وسط شهر سنندج در حمایت از مبارزات مردم کویانی و در اعتراض به جنایات داعش برپا شد. جمعیت از خیابان حسن آباد به سمت میدان آزادی حرکت کرده و شعار کویانی تنها نیست، مرگ بر داعش سر میدادند. پلاکاردی با شعار "جامعه بیدار است از توحش بیزار است" جلب توجه میکرد. این درحالی است که از آغاز صبح نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی تلاش داشتند مانع تجمع و اعتراضات مردم شوند. این تظاهرات ۴۰ دقیقه بطول انجامید.

کرمانشاه:

امروز صدها نفر از مردم شهر کرمانشاه در مقابل استانداری این شهر جمع شدند و در اعتراض به جنایات داعش و در حمایت از مردم کویانی شعار سردادند.

همدان:

روز ۱۶ مهر جمعی از دانشجویان بوعلی همدان در حرکتی اعتراضی نسبت به جنایات داعش و حمایت از مردم کویانی در جلوی سلف سرویس مرکزی دانشگاه جمع شدند و با شعارهای نه به جنگ، نه به خشونت، کویانی تنها نیست، داعش جنایت میکند، ترکیه حمایت میکند اعتراض خود

از صفحه ۲

جنبش مردمی علیه داعش در ایران گسترش می یابد

را اعلام داشتند.

مریوان:

روز چهارشنبه ۱۶ مهر جمع کثیری از مردم مریوان در حمایت از مبارزات مردم کوبانی دست به تظاهرات زدند. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی با افزایش جمعیت تلاش کرد مانع تجمع مردم شود اما با مقاومت مردم روبرو گردید و درگیریهایی بین مردم و سرکوبگران حکومت صورت گرفت. ده نفر از تظاهر کنندگان بازداشت شدند. مردم شعار مرگ بر داعش، کوبانی تنها نیست میدادند.

تبریز:

روز ۱۵ مهر دانشجویان دانشگاه تبریز در حمایت از مردم کوبانی دست به تجمع اعتراضی زدند.

مهاباد:

روز ۱۶ مهر جمعیت کثیری از مردم مهاباد با حضور در خیابانهای این شهر در حمایت از مردم شهر کوبانی دست به راهپیمایی زدند و شعار مرگ بر داعش، مرگ بر دولت فاشیست ترکیه سر دادند.

بوکان:

روز ۱۶ مهر صدها نفر از مردم شهر بوکان در اعتراض به جنایات داعش و حمایت از مبارزات مردم کوبانی با سر دادن شعار مرگ بر داعش، مرگ بر دولت فاشیست ترکیه، کوبانی تنها نیست، دست به راهپیمایی زدند. راهپیمایی ساعت ۴ عصر این روز از میدان فرمانداری شهر شروع شد و بیش از یکساعت بطول انجامید.

سقز، پاوه، ارومیه، پیرانشهر:

شهرهای سقز، پاوه و ارومیه



از مردم کوبانی فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ مهر ۱۳۹۳
۹ اکتبر ۲۰۱۴

سوئیس و آلمان و کانادا و انگلستان و کردستان عراق در حمایت از مردم کوبانی، صدای انسانیت پیشرو در برابر نیروهای خونخوار و وحشی و متحجری است که ادامه عمر ننگین خود را در خونریزی و پایمال کردن زندگی انسانی می بینند. ما همه مردم را به ادامه و گسترش مبارزه و تظاهرات در برابر ارتجاع از گوربرخاسته اسلامی و حامیان آن و در دفاع

کردند و علیه فاشیسم اسلامی و دولتهای حامی آن و در همبستگی و حمایت از مردم محاصره شده کوبانی فریاد سر دادند، درود میفرستند. این اعتراضات و تظاهرات در ایران در کنار تجمعات و تظاهرات گسترده مردم در ترکیه علیه دولت اسلامی اردوغان و همچنین تجمعات و اعتراضات در کشورهای مختلف نظیر سوئد و و هلند و فنلاند و

و پیرانشهر نیز امروز ۱۷ مهر شاهد تجمعاتی از مردم آزادیخواه در دفاع از مردم کوبانی و در اعتراض به جنایت داعش بودند. در سقز این تجمع در ساعت ۳ عصر در پارک شهر مولوی برپا شده بود و صدها نفر در آن شرکت داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران به همه مردمی که در این تجمعات و اعتراضات شرکت

داعش، چرا امروز؟

مصاحبه مریم نمازی با حمید تقوائی در برنامه تلویزیونی نان و گل سرخ

داعش روبرو می‌شود. داعش از آسمان نازل شده است. یا بخاطر عقاید مذهبی مردم آن منطقه ظاهر نشده. داعش بلند شده و عروج پیدا کرده بخاطر اینکه این تئوریه‌ها الان تئوریه‌های مسلط بر دنیا است.

مریم نمازی: ولی خیلی‌ها می‌گویند که همین تئوریه‌ها مثل چند فرهنگی و نسبیت فرهنگی اتفاقاً احترام می‌گذارد به عقاید مردم و برای یک جامعه بهتر این مفید تر است.

حمید تقوائی: من اولاً مقوله‌ای مثل احترام به عقاید را نمی‌فهمم. احترام به مردم را می‌فهمم ولی احترام به عقاید اصلاً معنی نمی‌دهد. احترام به مردم یعنی نباید به عقاید ضدمردمی احترام گذاشت! کسی که عقیده دارد زن نصف مرد است و یا زن حق طلاق ندارد، کسی که عقیده دارد هرکس را غیر از سلفی باید سر برید و جلوی دوربینها دارد این کار را می‌کنند، به مردم احترام نمی‌گذارد! معلوم نیست احترام به این عقاید یعنی چه؟! مثلاً به عقیده کسی که فکرمیکند زمین مسطح است چرا باید احترام گذاشت؟ خود آن فرد را باید از اشتباه درآورد با او بحث کرد و قانع کرد. اما اگر آن عقیده تبدیل بشود به یک نیروی سیاسی، و خودش را به دولت برساند آنوقت باید ریشه آن دولت و آن جنبش سیاسی را زد. اینجا دیگر بحث بر سر عقاید نیست. بر سر سیاست است، بحث بر سر نیرو جابجا کردن است. الان با پرچم کشتن کافر با اصطلاح، یعنی هر کس سلفی نیست یا سنی نوع داعش نیست، جنبش راه انداخته اند و دولت درست کرده اند و هر روز دارند آدم میکشند. کدام احترام به عقاید؟! کینه‌مالتی کالچرالیسم و نسبیت فرهنگی همین است که حقیقت را انکار می‌کند. چون حقیقت جهانی است، حقیقت لوکال و محلی نیست. حقیقت را انکار می‌کند به این معنی که ارزشهای

اسلامی را فراهم کردند. کما اینکه می‌بینیم در همین اروپا اسلامیون با اصطلاح معتدل کاملاً دستشان باز است که هر کاری بخواهند بکنند و حتی این بحث مطرح است - البته خود شما بهتر میدانید - که قوانین شریعه را در کشورهای اروپائی پیاده کنند. این مجموعه فکری، فلسفی، اجتماعی، سیاسی زمینه ساز نه تنها داعش بلکه کل جنبش اسلام سیاسی است. حماس و حزب الله و جمهوری اسلامی و غیره تمام اینها محصول این قهقرا و عقبگرد عمیق سرمایه داری امروز است و نظراتی مثل نسبیت فرهنگی و نئوکنسرواتیسم و نئولیبرالیسم کاملاً این عقبگرد را منعکس می‌کند.

مریم نمازی: این را بیشتر توضیح بدهید. یعنی نقش مستقیم نئولیبرالیسم و نئوکنسرواتیسم و پست مدرنیسم را چطور می‌بینید؟

حمید تقوائی: این نظرات تا آنجا که بعنوان یک دکترین مطرح میشوند از جامعه مدرن و جامعه مدنی کاملاً عقب نشسته اند. در نظرات پست مدرنیستی جامعه دیگر مجموعه‌ای از شهروندان متساوی الحقوق و دموکراسی یک فرد یک رای نیست. در این دکتترین جامعه تبدیل شده به ملقمه‌ای از سکنها، از فرقه‌ها و از مذاهب و فرهنگها و ملیتهای متفاوت. یعنی همان تئوری جامعه موزائیکی. و دولت هم تبدیل شده به مجموعه‌ای از سران این فرقه‌ها. آنجا که توانسته اند این را مستقیم پیاده کنند، یعنی دموکراسی‌ای که بردند با بمب و توپ و تانک بر سر مردم عراق فروریختند، رسماً و علناً اینطور



مریم نمازی: می‌خواستیم در رابطه با عروج داعش با شما صحبت کنیم. بعضیها می‌گویند عروج داعش ربط دارد به عروج مذهب در سطح جهان. نظر شما چیست؟

حمید تقوائی: این به هیچوجه نظر درستی نیست بخاطر اینکه مذهب همیشه بوده است. مردم در منطقه خاورمیانه و یا هر کشوری همیشه مذهب معینی داشته اند و یا در هر حال به مذهبی منتسب بوده اند. ولی هیچوقت چنین نیروی وحشی‌ای به این شکل سر بلند نکرده و نفوذ پیدا نکرده بوده است. خیلی روشن است که قضیه را با مذهب نمی‌شود توضیح داد. این را در مورد جمهوری اسلامی هم می‌گفتند که ایران جامعه‌ای است اسلامی و مردم مسلمان هستند بنابراین حکومت خمینی حکومتی است که مردم انتخاب کرده اند. و یا زنان سنگسار و حجاب را ظاهراً خودشان انتخاب کرده اند چون مذهبشان اینطور ایجاب می‌کند! به نظر من حرفی بی‌مایه تر و پرت تر از این نمی‌شود زد! در جامعه ایران، در عراق و در خاورمیانه قرنهایست مذهب اسلام هست ولی نیروی نظیر داعش چند ماه است که مطرح شده است. بنابراین خیلی روشن است که اینها به هم بیربط هستند.

مریم نمازی: شما قبلاً در رابطه با فاکتورهای مختلفی که

داعش، چرا امروز؟

وعده ها میدهد.

این ممکن است يك فاکتور باشد ولی سوال من اینست که چرا از میان ده ها حزب و نیرو و تفکر و جنبش متفاوت اسلامیون برجسته شده اند؟ اینها که تنها پوپولیستهای تاریخ و مدعی طرفداری از مستضعفین نیستند. بر فرض هم که بگوئیم اینها مستضعف پناهی میکنند! يك نکته درست است و ما همیشه گفته ایم که جنبش اسلام سیاسی يك پایش بر روی ظلم تاریخی ای است که در حق مردم فلسطین روا شده. اسلامیون از این سوء استفاده میکنند. ولی همین مساله فلسطین در يك دوره نیروهائی را بجلورانده بود مثل نایف حواتمه و ژرژ حبش و نهضت نجات فلسطین و الفتح که خودشان را چپ و یا ناسیونالیست میدانستند. سوال اینست که چرا امروز اسلامیون با پرچم باصطلاح حقخواهی مردم فلسطین کارشان رونق پیدا کرده؟ داعش که حتی همین ادعا را هم ندارد. داعش اصلا ربطی و کاری به مردم فلسطین ندارد. در همین دوره ای که داعش در عراق کارش رونق پیدا کرد، تهاجم اسرائیل به غزه شروع شد و داعش رسماً گفت که اسرائیل را محکوم نمیکند! اعلام کرد که امر من جنگ با کفار است و از قرآن هم آیه آورد که باید کفار را زد و اسرائیلی ها فعلا هدف نیستند! اما در مورد آن شاخه ای هم از اسلامیون که به مساله فلسطین متوسل میشود سوال اینست که چرا اینها و نه لیبرالها و ناسیونالیستها و چپها مطرح شده اند؟ جواب بر میگردد به همان فضا و شرایطی پست مدرنیستی و نئوکنسرواتستی که گنتم. در این شرایط است که مذهب بجلو رانده میشود و چنین ادعاهائی میکند.

مریم نمازی: اعتراض

همانطور که گفتید در ایران و خاورمیانه زیاد است. ما شاهد انقلابات اخیر هم بودیم. میشود گفت نتیجه نهائی این انقلابات بخشا منفی بود. آیا این درست است؟

حمید تقوایی: نتیجه نهائی منفی بود ولی این انقلابات خیلی چیزها را روشن کرد. این انقلابات زمین را شخم زد. در این انقلابات خیلی از نظرات بطور اجتماعی نقد شد. مثل این نظر که مردم منطقه طرفدار نیروهای اسلامی هستند. جنبشی که در مصر علیه اخوان المسلمین شکل گرفت در تاریخ بینظیر است. اخوان المسلمین را میلیونها مردم مصر با جنبش ترمز کنار زدند. اینکه ارتش جای اخوان المسلمین را گرفت بحث دیگری است ولی جامعه مصر نشان داد که عمیقاً علیه نیروهای اسلامی است. در تونس هم همینطور است. آنجا جنگ بین سکولارها و اسلامیون ادامه دارد و سکولارها دست بالا دارند. بطوریکه دارند چهره هایشان را ترور میکنند. بنابر این گرچه این انقلابات به نتیجه نهائی نرسید ولی حقایقی را ثبت کرد که دیگر کسی نمیتواند انکار کند. از جمله اینکه این جوامع اسلامی نیستند و نه تنها نیروی اسلامی مثل اخوان المسلمین را که غرب پشتش بود و میخواست حفظش کند، با همان قدرتی که مبارک را انداختند، او را هم کنار زدند. به همین خاطر به نظر من این انقلابات آلترناتیو و شیوه و راه برون رفت از این وضعیت را بروشنی نشان میدهند. نشان میدهند که پرچم دست مردم است. مردم انقلابی که باید متشکل بشوند باید حزب و رهبر داشته باشند - يك ضعف این انقلابات این بود که حزب رهبری کننده نداشتند - که بتوانند در برابر کل ارتجاع بایستند. این ملقمه نئوکنسرواتیسیم و نسبیت فرهنگی و داعش و جمهوری اسلامی جواب هیچ چیزی نیست. خاورمیانه را اگر در این وضعیت

رها کنید بحرانش عمیق تر و عمیق تر خواهد شد. انقلابات منطقه نشان داد راه چیست و نیروی مردم و بمیدان آمدن مردم است که میتواند نقطه ختمی بگذارد بر کل این بساط.

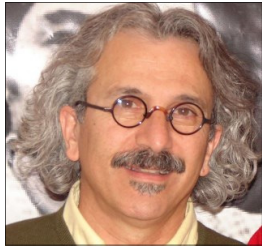
مریم نمازی: دو سوال دیگر. یکی اینکه کسانی که میخواهند حمایت کنند از جنبش مردم و از جنبش پیشرو در مقابل دولت آمریکا و جنبش اسلام سیاسی دقیقاً چه باید بکنند؟ راه حل چیست؟ چه راهی میتوانند انتخاب کنند؟

حمید تقوایی: به نظر من باید حول پرچمی که همین انقلابات منطقه بلند کردند، جمع شد. یعنی علیه هر نوع نیروی قومی و مذهبی هم در دولت و هم بعنوان يك نیروی سیاسی. علیه هر نوع عامل سیاسی ای که مذهب در آن دخیل است. این سکولاریسم نامیده میشود ولی این را هم باید بگویم که سکولاریسم امروز باید خیلی عمیق تر و رادیکال تر از سکولاریسم کلاسیک باشد. سکولاریسم کلاسیک میخواست کلیسا از دولت جدا باشد در زمانی که دیگر دوره فنودالیسم به سر رسیده بود و داشت فرومیپاشید. اما امروز مذهب فقط در دولت نیست، بلکه مذهب يك جنبش است، يك حرکت اجتماعی است و يك دکترین است نه فقط برای مذهبیون، بلکه دکترین بورژوازی غیر مذهبی. دکترینی که میگوید "عقاید محترم است، مذهب دارای حقوقی است و حق مذهبیین چه میشود، و اگر نیروهای مذهبی دولتی درست کردند دولت آنها است و به ما ربطی ندارد و دموکراسی اسلامی داریم، عدالت اسلامی داریم که با عدالت غربی فرق میکند" و همه این خرعبلات! من میخواهم بگویم سکولاریسم امروز با این جبهه روبروست. سکولاریسم کلاسیک در مقابل فنودالیسم می جنگید، در مقابل دنیائی که دوره اش گذشته بود. سکولاریسم امروز با پست مدرنیسم می

جنگد. یعنی با بازگشت سرمایه به تاریخ قرون وسطائی. بنابراین باید علیه فلسفه اش، و نه فقط علیه فلسفه کلیسا، یا فلسفه قرآن یا فلسفه مذهب، بلکه علیه فلسفه ظاهرا غیر دینی که جای بزرگی برای دین باز کرده است، بجنگید. علیه دکترینی باید بجنگید که بوسیله محمد و موسی و عیسی نازل نشده بلکه بوسیله امثال فوکویاما و فلاسفه پست مدرنیست و غیره مطرح شده ولی جای بزرگی برای مذهب باز کرده است. باید نه با عهد عتیق و تورات و غیره بلکه با نسبی گرایی فرهنگی بجنگید. راه اینست. راه يك سکولاریسم چپ رادیکال است. من همیشه گفته ام راه يك رنسانس سوسیالیستی است. و نه رنسانس کلاسیک مقابل مذهب و فنودالیسم. آن دوره اش تمام شد. آن جنبش کار خودش را کرد و رفت و الان دارند انکارش میکنند. دارند از تاریخ خطش میزنند. به اسم "پست مدرنیسم" برمیکردند به "پری مدیوالیسم"، به ماقبل قرون وسطی. بهمین خاطر من فکر میکنم راه حل يك یورش عظیم فکری، تئوریک، سیاسی، عملی، در خیابان و در کار لابی ایستی، در رسانه ها و در مدیای اجتماعی است از زاویه این سکولاریسم میلیتانت چپ علیه کل این بساط و نه تنها علیه اسلامیون. علیه اسلامیون و طرفداران ظاهرا پست مدرنیست اسلامیون. به نظر من این کلید اصلی مساله است.

مریم نمازی: بعنوان سوال آخر. خیلی ها هستند که خودشان را چپ میدانند و طرفدار اسلامیها هستند بعنوان يك نیروی ضد امپریالیست و طرفدار نسبیت فرهنگی هستند بعنوان يك نوع تئورانس و دفاع از اقلیتها در کشورهای غربی. پیام شما به این افراد چیست؟

حمید تقوایی: این شاخه چپ پست مدرنیسم است که نسبت به لیبرالیسم راست محسوب میشود. میخواهم



گل همینجاست، همین جا برقص!

گفتگو با علی جوادی پیرامون کنگره ۹ حزب کمونیست کارگری ایران

محمود/حمادی: کنگره نهم حزب کمونیست کارگری بزودی در یکی از کشورهای اروپا برگزار خواهد شد. این کنگره مطابق با سنت کمونیسم کارگری یک کنگره علنی خواهد بود و شرکت در آن برای همگان آزاد است. همچنین از احزاب و رسانه های مختلف برای حضور در کنگره دعوت رسمی بعمل آمده است. سؤال اولم این است که این کنگره در چه شرایط سیاسی-اجتماعی معینی در جامعه ایران برگزار میشود؟

علی جوادی: اولین و مهمترین مساله ای که در رابطه با شرایط سیاسی-اجتماعی حاضر در ایران باید به آن اشاره کرد: تلاش جامعه، تلاش توده های مردم کارکن، جوانان، زنان و کارگران برای خلاصی از نکت حکومت اسلامی هست. تلاشی برای دستیابی به آزادی، برای رهایی، برای رسیدن به برابری در عرصه های حقوقی و سیاسی و اجتماعی، برای خلاصی از چنگال فقر و فلاکتی که رژیم اسلامی سرمایه بر جامعه تحمیل کرده است. ما جامعه ای را مشاهده میکنیم که تشنه آزادی و برابری و رفاه است. ما با جامعه ای مواجه هستیم که آرزوها و آرمانهای بزرگی دارد. جنبشهای اجتماعی عظیمی را مشاهده میکنیم که علیرغم سرکوب وحشیانه حکومت اسلامی زنده و پویا و پر تحرکند. و از هر منفذ و مجرای برای اعتراض به رژیم اسلامی بهره برداری میکنند. و هر عرصه ای از اعتراض به مجرای اصلی اعتراضات در جامعه یعنی تلاش برای سرنگونی حکومت اسلامی گره میخورد و تبدیل میشود. این واقعیت که ما بیش از هر زمانی

با جامعه ای مواجه هستیم که تشنه آزادی و سرنگونی رژیم اسلامی است، اصلیتترین مشخصه اوضاع سیاسی کنونی جامعه است.

و نتیجتاً تلاش برای رهبری کردن و به پیروزی رساندن این جنبش عظیم سرنگونی طلبانه توده های مردم، با کمترین مشقت، در پی موثرترین شیوه ها، و با کارآترین روشهای برای استقرار نظام حکومتی ای که بتواند خواستههای توده های مردم را اجرا و پیاده کند، مساله اصلی حزب کمونیست کارگری و جنبش کمونیسم کارگری است. بر خلاف جریانات راست و ارتجاعی که به دنبال اصلاح حکومت وحوش اسلامی هستند، بر خلاف جریاناتی که امید و آرزوی خودشان را به آمریکا و اسرائیل و نیروهای متحدشان گره زده اند، جنبش کمونیسم کارگری راه اصولی و متدنه رسیدن مردم به این خواستههای دیرینه و انسانی خودشان را از طریق سازماندهی و رهبری یک انقلاب اجتماعی و رهبری جنبش سرنگونی طلبانه در دل این تحولات میداند. و در اینجا کلمه کلیدی بنظم مقوله "سازماندهی" و "رهبری" این اعتراضات و جنبشهای اجتماعی است. نتیجتاً باید به

مساله دومی که باید اشاره کرد این است که معمولاً جنبشها و خیزشها و قیامهای توده های مردم ستمدیده به سکوی پرش نیروهای دست راستی و ارتجاعی که در میدان اصلی مبارزه قرار دارند تبدیل شده است. و پس از چندی خود این توده های مردم بار دیگر در موقعیت استثمار شونده و تحت ستم قرار گرفته اند. به "انقلاب

۵۷" نگاه کنید، یک جریان ارتجاعی ضد انقلابی گنبدیده اسلامی را با نام "انقلاب" به توده های مردم قنقه کرده و با سرکوب خونین مستقر کردند. به مصر نگاه کنید می بینید که چطور قدرت سیاسی علیرغم خیزش عظیم توده های مردم که تاریخ را ورق زدند به قدرت گیری جناحهایی از طبقه حاکمه تبدیل شد و مردم بپاخواسته در تلاش خود ناکام شدند. این تجربیات یک بار دیگر نشان میدهد تا زمانی که این اعتراضات توسط جنبش و حزبی که نماینده تمام و کمال خواستههای و آرزوهای توده مردم باشد، نمایندگی نشود، سهم مردم بار دیگر اسیر نوعی از استبداد و استثمار و محرومیت و نابرابری است. بار دیگر نوع و ترکیب دیگری از نمایندگان طبقه حاکمه در راس قدرت قرار خواهند گرفت و امید و آرزوهای مردم را له و لگد مال خواهند کرد. بار دیگر تحولات اخیر نشان داد مادام که جنبشی که نماینده آزادی و برابری و رفاه و سعادت مردم است در راس

اعتراضات قرار نگیرد، این اعتراضات به پیروزی نخواهند رسید و مردم علیرغم مبارزات و جانفشانی های تاریخی خود باز ناکام خواهند شد. این یک درس عظیم تاریخی است که ما همواره بر آن تاکید کرده ایم اما امروزه باید به یک امر حیاتی در مغز استخوان اعتراضات جامعه و روانشناسی پیروزی جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم تبدیل شود. همانقدر که نفس اعتراضات سرنگونی طلبانه حائز اهمیت است به همان درجه هم تامين رهبری رادیکال و آزادخواهانه حائز اهمیت است. تلاش برای رفع این نقیصه جنبشهای اجتماعی یک وظیفه حیاتی حزب و جنبش کمونیسم کارگری است.

بنظم صورت مساله و معضل روشن است. معضل در عین حال یک معضل قدیمی است. مساله کلیدی و حیاتی همانطور که تاکید کردم مساله "سازماندهی" و "رهبری" است. حزب کمونیست کارگری باید به حزب "سازمانده و رهبر" اعتراضات تبدیل شود. این یک

نهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در ماه اکتبر امسال به طور علنی در یکی از شهرهای اروپا برگزار میشود. علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره شرکت کنند. از احزاب و سازمانهای سیاسی و رسانه های خبری نیز برای حضور در کنگره دعوت بعمل خواهد آمد.

کنگره فرصت مناسبی برای آشنائی از نزدیک با حزب، سیاست ها، کادرها، نحوه فعالیت و تصمیم گیری ما در جریان این عالیترین اجلاس حزبی است. از همه شما عزیزان دعوت میکنیم به کنگره ما بیايید. برای ثبت نام و کسب

شرط لازم برای پیروزی است. و سؤال این است که این امر را چگونه در شرایط حاضر با توجه به ویژگی های جامعه و امکانات معاصر باید پیش برد و تامين کرد. بنظم نمایندگان کنگره در حزب باید توجه ویژه و تعیین کننده ای به این امر داشته باشند، چگونه میتوان به حزب "سازمانده و رهبر"، به حزب نماینده و رهبر اعتراضات آزادیخواهانه و برابری طلبانه و سرنگونی طلبانه توده های مردم تبدیل شد؟ چگونه میتوان تضمین کرد که این اعتراضات به پیروزی خود مردم و نه دشمنان رنگارنگ مردم منجر خواهد شد؟ این مقوله بنظم برای حزب و جنبش ما حیاتی است. به قول مارکس "گل همینجاست، همین جا برقص!"

محمود/حمادی: شما در صحبتهایتان به مولفه های اصلی سیاسی امروز ایران اشاره کردید اما از طرف دیگر ما

صفحه ۱۳

به کنگره ما بیايید!

کنگره نهم حزب کمونیست کارگری در ماه اکتبر ۲۰۱۴ برگزار میشود
کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است!

اطلاعات لازم با شماره تلفن و آدرس زیر تماس بگیرید:

ایمیل و تلفن تماس برای اسم نویسی:
markazi.wpi@gmail.com

تلفن تماس:

۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

ویژگی جدید اعتصابات کارگری

اصغر کریمی



از جمله اقداماتی است که بدلیل تاثیراتی که در به حرکت درآوردن سایر کارگران معترض و تاثیراتی که در کل جامعه میگذارد بیشترین فشار را به حکومت میآورد و قدرت اعتصاب را چندین برابر میکند. این اقدام حتی اگر به همبستگی آشکار و اعلام شده مراکز کارگری و مردم منجر نشود، ولی هزینه دستگیری و سرکوب کارگران را بیشتر و دشوارتر میکند. عملاً اعتصاب را از محدوده کارخانه به سطح جامعه میبرد و به عقب نشینی رژیم سرعت میدهد. بیجهت نیست که رسانه های وابسته به حکومت اعتراضات را بتمامی سانسور میکنند. فعالین کارگری این امکان را دارند که با استفاده از همه امکانات اعتصاب خود را رسانه ای کنند و افکار عمومی را مدام در جریان قرار بدهند.

جنبش کارگری در ماههای اخیر قدم های محکم تری به جلو برداشته است. اعتصابات عمق و وسعت بیشتری پیدا کرده و مرکز ثقل اعتصاب به مراکز بزرگ کارگری کشیده شده است. شرایط اسفباری که بر زندگی کارگران حاکم است و عدم دورنمای بهبودی در شرایط کنونی از یکطرف و روحیه مبارزاتی حاکم بر کارگران از طرف دیگر دورنمای گسترش باز هم بیشتر این اعتراضات را میدهد. این شرایط موقعیت تازه ای را برای رهبران و فعالین کارگری ایجاد میکنند که گام دیگری جنبش کارگری را متشکل تر و آماده تر کنند. نبردهای اساسی تر در راه است، طبقه کارگر باید خود را مجهزتر کند. * ۱۷ اکتبر ۲۰۱۴

و در واقع فعالین و رهبران کارگری هنوز بطور جدی به این مساله توجه نکرده اند. در بافق خواست آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی، خانواده ها را به میدان مبارزه ای پر قدرت کشاند که موجب داغ شدن مبارزه در این شهر شد و تجربه درخشانی از خود باقی گذاشت. چند سال قبل تعدادی از اعضای خانواده های کارگران نیشکر هفت تپه در راهپیمایی کارگران شرکت کردند، در تجمعات پتروشیمی های ماهشهر و در مبارزه کارگران کیان تاثیر نیز شاهد حضور خانواده ها بودیم. اما متأسفانه این هنوز به سنت جا افتاده ای در جنبش کارگری تبدیل نشده است. این اقدامی مهم و حیاتی برای به کرسی نشاندن خواست های ما است و باید بطور جدی تری توسط فعالین کارگری و خانواده های مبارز کارگران در دستور قرار گیرد. قطعاً موانعی در این زمینه وجود دارد از تلاش حکومت برای مقابله با حضور خانواده های کارگران تا بعضاً هزینه رفت و آمد و سنت های عقب مانده و غیره. اما این موانع فرض مبارزه کارگران است و باید بر آنها غلبه کرد. مهم این است که تعداد هرچه بیشتری از کارگران و خانواده های کارگران و بویژه رهبران کارگری به اهمیت حیاتی آن پی ببرند.

و بالاخره مطلع کردن مردم از اعتصاب، از خواست های کارگران و شگردهای کارفرما و حکومت کمک موثری در پیشروی اعتصاب است. رهبران کارگری را باید جامعه بشناسد تا بخصوص چنانچه مورد احضار یا دستگیری قرار گرفتند به حمایت از آنها بلند شود. این

علیه آنها را بیان میکنند. در چنین شرایطی کارگران بیش از هر زمان باید به فکر تامین رهبری اعتصابات خود باشند و مناسب ترین و عملی ترین راه تشکیل مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان مستقیم و قابل اعتماد کارگران است. تنها با این آمادگی است که حتی شورای اسلامی نیز تا زمانیکه کارگران تماماً آنرا منحل نکرده باشند، مجبور میشود بیشتر سنگ کارگران را به سینه بزند و آشکارا در مقابل کارگران قرار نگیرد. تشکیل مجمع عمومی که باید در طول روزهای اعتصاب و تجمع به عملی هر روزه تبدیل شود سنگ بنای اصلی تشکل در شرایط کنونی است و به هر درجه بیشتر در مراکز مختلف عمومیت پیدا کند و هرچه بیشتر اعتصابات و اعتراضات به آنها متکی شود، یک گام کارگران را از نظر تشکیلاتی آماده تر خواهد ساخت و شرایط مناسب تری برای اعتصابات بعدی فراهم خواهد کرد. کارگران پروفیل ساوه در ماههای اخیر و قبل تر کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان و کارگران نیشکر هفت تپه بر تشکیل مجمع عمومی منظم تاکید کرده و در مواردی آنرا عملی کرده اند. این الگویی برای همه مراکز کارگری است. بر فقدان تشکل های کارگری باید غلبه کرد و این عملی ترین و مهمترین قدم در شرایط کنونی است.

درمورد حضور خانواده های کارگری توضیح زیادی لازم نیست. کارگران معدن سنگ آهن بافق اهمیت حضور خانواده ها را در طول ۱۶ روز اعتصاب خود به جنبش کارگری نشان دادند. متأسفانه جنبش کارگری

تقویت اعتصاب و به پیروزی رساندن آن در پیش گیرند. این فاکتورها از هر نظر برای تعمیق و گسترش جنبش کارگری حائز اهمیت است. با اینهمه این اعتصابات از ضعف های مهمی رنج میبرد و من اینجا به سه جنبه آن اشاره میکنم. اتکا به مجمع عمومی و انتخاب تعداد هرچه بیشتری نماینده که هدایت اعتراض را بعهده دارند، حضور اعضای خانواده های کارگران همراه با اعتصاب و اطلاع رسانی و مطلع کردن هرچه بیشتر مردم. درمورد این سه مساله توضیح کوتاهی میدهم.

طبق گزارش ایلنا که در واقع ارگان خبری شوراهای اسلامی است، حداقل در دو مورد این اعتصابات اعضای شورای اسلامی در مقابل کارگران ایستاده اند. ایلنا به نقل از کارگران نیشکر هفت تپه میگوید: "عوامل کارفرما و اعضای شورای اسلامی کار طرح طبقه بندی مشاغل را به صورت ناعادلانه بازننگری کرده اند به گونه ای که به جای امتیاز دادن به سابقه کار، به تحصیلات امتیاز داده اند، آنهم در شرایطی که ۸۵ تا ۹۰ درصد کارگران این واحد صنعتی، تحصیلاتی کمتر از دیپلم دارند". و چند روز قبل نیز گفته بود در واکن پارس کارگران قصد داشتن اعتراض را به بیرون کارخانه بکشند اما اعضای شورای اسلامی قصد داشتند مانع کارگران شوند و جلو خروج کارگران از کارخانه را بگیرند. کارگران با رئیس شورای اسلامی درگیر شدند که کارش به بیمارستان کشید. همین دو مورد نقش شوراهای اسلامی و در عین حال فضای اعتراضی

اعتصابات کارگری در ایران نه تنها به مراکز بزرگ و بیشتری کشیده شده و ابعاد پدیده تری بخود گرفته است بلکه تعداد اعتصابات طولانی مدت نیز رشد کرده و این يك ویژگی مهم اعتصابات کارگری در ماههای اخیر است. بدنبال دو اعتصاب ۳۹ روزه و ۱۶ روزه کارگران معدن سنگ آهن بافق، اکنون شاهد اعتصاب ۲۲ روزه کارگران کاشی گیلانا هستیم. اعتصابی که همچنان ادامه دارد. در روزهای اخیر همچنین کارگران واگن پارس دست به اعتصاب یک هفته ای زدند، کارگران نیشکر هفت تپه، در ادامه اعتصابات مکرر خود، در روزهای ۱۲ تا ۱۴ مهر دست به اعتصاب زدند و تنها با عقب نشینی کارفرما به اعتصاب پایان دادند. کارگران قطار شهری اهواز ۵ روز اعتصاب کردند و با وعده ۲۰ روزه موقتا به اعتصاب خاتمه دادند و کارگران معدن سنگرود چهار روز دست به اعتصاب و تجمع زدند اما ۳۰ نفر از نمایندگانشان برای پیگیری مطالبات کارگران و تحقق وعده های داده شده در تهران ماندند. اعتصابات طولانی مدت، نه تنها مصمم تر بودن و جدی تر بودن کارگران برای تحقق مطالباتشان و بی اعتمادی هرچه بیشتر به قول و قرارهای کارفرمان و ارگان های دولتی را نشان میدهد بلکه نیاز به سازماندهی جدی تر و رهبران جا افتاده تری دارد و به سهم خود به سازماندهی و رهبری پخته تری منجر میشود و در عین حال اعتصاب طولانی مدت فرصت و امکان بیشتری به کارگران و رهبرانشان میدهد تا اقدامات موثرتری برای

با تمام قوا به حمایت از مردم قهرمان کوبانی برخیزیم!

شکست داعش فقط شکست يك گروه اسلامی نیست. شکست داعش یعنی شکست كل جنبش کثیف اسلامی. شکست داعش به معنای شکست سیاستهای دولت آمریکا و همه خالقین داعش و القاعده و جمهوری اسلامی نیز خواهد بود. پیروزی مردم کوبانی گام مهمی در این راستا است.

حزب کمونیست کارگری همه مردم شریف جهان را به حمایت از مردم کوبانی و همه مردمی که در معرض تعرض بیرحمانه داعش و ارتجاع اسلامی هستند فرا میخواند. حزب کمونیست کارگری همه مردم را فرا میخواند که دولتها و قدرتهای خالق و حامی داعش را در کشورها و شهرهای مختلف جهان زیر فشار اعتراضات و ابراز انزجار خود قرار دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ مهر ۱۳۹۳، ۸ اکتبر ۲۰۱۴

پشت داعش نیروها و دولتهایی هستند که علیرغم اینکه رسماً خود را در جبهه مخالف داعش تعریف کرده اند اما عملاً بطور مستقیم و یا غیر مستقیم از داعش حمایت میکنند. دولت های ترکیه و عربستان و امارات و قطر که حامیان و خالقان مستقیم داعش بوده اند عملاً حاضر به دست شستن از این نیروی ضد انسانی نیستند.

اگر این متحدین دولت آمریکا پشت داعش و امثال داعش نبودند قطعاً داعش نمیتوانست سر بلند کند و هر تحرکی از جانب او و نیروهای نظیر او با مقاومت و مبارزه یکپارچه مردم روبرو میشد و به شکست می انجامید. کوبانی يك نمونه برجسته و بارز این واقعیت است. مردم کوبانی و منطقه متأسفانه تا کنون بهای سنگینی در مقابله با داعش پرداخته اند، اما مبارزه جانانه مردم کوبانی بروشنی نشان میدهد داعش و امثال داعش جایی در جامعه بشری ندارند و توده مردم میتوانند این نیروهای ضدبشری را، علیرغم همه توحش و جنایاتشان، شکست بدهند و به زباله دان پرتاب کنند.

شهر مرزی کوبانی در سوریه در آتش و گلوله میسوزد. کوبانی امروز به سمبل مقاومت بشریت بر علیه توحش خونخوار اسلامی تبدیل شده است. قریب سه هفته است که زنان و مردان کوبانی با تمام وجود قهرمانانه برای دفاع از زندگی خویش در حال جنگ هستند. خبرها گویای جنایات بیرحمانه داعشی ها علیه مردم و جنگجویان کوبانی است. در این شرایط دولتهای به اصطلاح "ائتلاف علیه داعش" در منطقه نظاره گر اوضاع هستند. مشخصاً دولت ترکیه نه تنها از هر نوع مقابله با نیروهای داعش و دفاع از مردم کوبانی سر باز میزند بلکه عملاً داوطلبان پیوستن به صف دفاع از کوبانی را سرکوب میکند.

داعش اوج توحش جنبش اسلامی علیه بشریت است. داعش تهوع سرمایه داری به بن بست رسیده امروز برای حفظ سلطه اش بر جوامع انسانی است. سران حکومت آمریکا بارها اعتراف کرده اند که داعش محصول دول غرب و متحدین دولت آمریکا نظیر دولت های ترکیه و عربستان و امارات متحده و قطر است.

روز جهانی کودک را به روز اعتراض علیه بی حقوقی کودکان بدل کنیم



ساختن جهانی شاد و ایمن برای کودکان ممکن است. خیالپردازی و رویا نیست. میتوان جهانی به دور از نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی داشت. این رسالت بشریت متمدن است.

نهاد کودکان مقدمند، همراه و همگام با جهان متمدن، با گرمی داشت روز جهانی کودک، همه شما انسانهای شرافتمند را به پیوستن و تلاش در صف دفاع از حقوق کودکان فرامیخواند.

نهاد کودکان مقدمند
اکتبر ۲۰۱۴

دست درازی مذاهب در زندگی کودکان بیداد میکند و قربانی می گیرد. کمبود تغذیه و آموزش کودکان، همچنان يك فاجعه دردناک برای بشریت جهان امروز است.

در مقابل این توحش افسارگسیخته، جبهه ای جهانی از بشریت انساندوست و متمدن، در جدالی گسترده و بی وقفه علیه فقر و ارتجاع مذهبی، علیه بی حقوقی کودکان، برای برپایی جهانی شاد و ایمن، صف کشیده است.

جهان متمدن درگیر نبردی نابرابر در تمام سطوح سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با وضعیت موجود است. نمی توان در جهانی مالا مال از نابرابری، حقوق کودکان را تامین کرد. نمی توان با باز بودن دست مذاهب، کودکان را از گزند این هیولا در امان داشت. حقانیت و ضرورت دفاع از حق کودکان دقیقاً، مقابله با این نابرابری و کوتاه کردن دست مذاهب و سنن عقب مانده از زندگی کودکان است. این هیولا را باید شکست داد تا امنیت کودکان تامین شود.

در شرایطی به استقبال روز جهانی کودک می رویم که هیچگاه جهان چنین برای کودکان خطرناک نبوده است. هیچگاه کودکان چنین بی پناه، قربانی کشمکشهای سیاسی، خشونت‌های مذهبی و نژادی و فقر و فلاکت اقتصادی نبوده اند.

علیرغم پیشرفتهای شگرف تکنولوژیک و دستاوردهای ارزشمند علمی، در بسیاری از کشورهای جهان، نشانه ای از بهبود وضعیت کودکان دیده نمی شود. گرسنگی، بیماری و جنگها همچنان اولین قربانیانش را از میان کودکان می گیرد.

از سوریه و عراق و افغانستان تا نیجریه و دارفور ... کودکان قربانیان خاموش دستجات تروریست اند. دولتهای بسیاری از کشورها علیرغم تظاهر به حمایت از حقوق کودکان، عاقدانه چشم بر واقعیت هولناک زندگی کودکان می بندند و خود شریک و سازمانده آن هستند. کار کودکان همچنان بیرحمانه کودکی کودکان را در مقیاسی جهانی، به یغما می برد.

پیام به کنگره ۹ حزب کمونیست کارگری

حزب من - حزب ما

پیام به کنگره ی نهم حزب کمونیست کارگری ایران
با سلام گرم به همه رفقای حاضر در کنگره و همه رفقای فعال در حزب کمونیست کارگری ایران

رفقا! من در جمع گرم شما نیستم. اما خودم را از شما جدا نمی دانم. جسم آنجا نیست اما جانم پیش شماست. آرزوهای من، آرزوهای شماست. و یا بهتر است بگویم که اهداف و آرزوهای شما، آرزوهای من است. قلب من برای دنیایی می تپد که نه تنها قلب شما برای آن می زند بلکه دست هایتان برای ایجاد آن دنیا می کوشد. از سال ها پیش، من دنیایی می خواستم سرشار از شادی و امید، عاری از جنگ و جهل و جنایت، خالی از شلاق و زندان و ستم و سود و سوداگری و نابرابری. من دنیایی می خواستم که اگر نان هست، همه از آن بخورند و اگر نان نیست، چرا نباید باشد؟ من دنیایی را دوست می داشتم که سرشار از صلح و آزادی و کرامت انسانی باشد. من دنیایی را می خواستم که همه ی چیزهای خوب و انسانی را در خود جمع داشته باشد و نام این دنیا را سوسیالیسم گذاشته بودم. دنیایی که در آن فقر و اعتیاد و آپارتاید جنسی و نژادی و قومی و زبانی نباشد. مدتی هم برای بریایی چنین دنیایی کوشیدم ولی بیهوده بود. زیرا راهش را گم کرده بودم و ابزارش را نداشتم و همراهانم هم ناتوان تر از من بودند. ده سال است که حزیم را، ستاد رزمنده ام را پیدا کرده ام. حزبی که آمال و آرزوهایم را نمایندگی می کند. حزب زنانی که تمام قد علیه قوانین ارتجاعی و قرون وسطایی اسلام پیا خاسته اند. حزب جوانانی که می خواهند از فرهنگ عقب مانده و کپک زده مذهب خلاص

شوند. حزب کارگرانی که علیه منافع آزمندانه ی سرمایه داران به سلاح آگاهی طبقاتی مسلح شده اند و با اعتراضات و اعتصابات خود در صددند تا این نظام ظالمانه و بهره کشانه را بر اندازند. حزب کودکانی که بازی و شادی و تفریح و بهداشت و تغذیه ی مکفی و مغذی را حق خود می دانند. حزب معلمانی که می کوشند تا جهل و خرافات را از ذهن و زبان دانش آموزان و دانشجویان پاک کنند و آموزشی علمی و بدون دخالت مذهب را در دسترس مردم قرار دهند. حزب مردمی که آزادی بیان و اندیشه را بدون سانسور و بدون قید و شرط می خواهند و آن را لازمه یك زندگی سالم انسانی می دانند. حزب مردمی که مخالف آزار و اذیت حیوانات هستند. حزب مردمی که برای داشتن جهانی پاک و بدور از آلودگی و محیط زیستی پاکیزه و فرحبخش مبارزه می کنند. حزب زمانه ای که با انقلاب انفورماتیک فاصله ها را درنوردیده. زمانه ای که با کمک فناوری های نوین، مدیایی قوی و همه گیر دردنیای مجازی فراهم آورده و در اختیار عموم کاربران قرار داده است. حزبی که در یک بزنگاه بسیار حساس تاریخ معاصر، زمانی که سرمایه داری می خواست بر بستر فروپاشی حکومتی که خود را اردوگاه سوسیالیزم می نامید، پایان تاریخ و پایان سوسیالیزم را اعلام کند، متولد شد و اعلام کرد که سوسیالیزم و کمونیزم کارگری، ققنوس وار از خاکستر سوسیالیزم بورژوازی برخاسته است. و درود به منصور حکمت که مبدع و بنیانگذار این حرکت رنسانسی بود. به راستی یادش گرمی باد.

همانطور که در این نوشته کوتاه یادآوری کردم، این حزب برای همه چیزهایی که برای یک

دنیای بهتر و انسانی لازم است، باید بکوشد و برنامه های عملی داشته باشد. که تا اینجا موفق بوده است - مردم برای پیاده کردن خواست ها و آرزوهایشان چندین بار و علی الخصوص در سال ۸۸ اعلام آمادگی کرده اند. وظیفه ی حزب و کادرایش باید این باشد که جنبش های متعدد توده ای فی الحال موجود را به هم وصل کند. بنابراین آنچه امروز از نان شب برای جنبش انقلابی حیاتی تر است، همین اتصال حرکت های اعتراضی پراکنده و جدا جدا و یکپارچگی و سازماندهی مردم معترض است. کنگره این حزب لزوما در راستای تحقق آرزوهای من و امثال من که با آمال و آرزوهای بشریت امروز همپوشانی دارد، قرار می گیرد و باید قرار بگیرد. انتظار می رود همفکری و همکوشی همه رفقای که در این کنگره گردآمده اند، حزب و ارکان آن را در راه رسیدن به اهداف و در سرعت بخشیدن به حرکت جنبش های اجتماعی یاری برساند. در این جا یك بار دیگر به همه ی شما درود می فرستم و برایتان بهترین روزها و بهترین روزگار را آرزو می کنم. شاد و پیروز باشید.

زنده باد سوسیالیزم. زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران.

مهراب دشتی
ایران / مهر ۱۳۹۳

پیام به نهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران رفقا!

برگزاری نهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران را به شما و تمام آزادیخواهان و برابری جویان ایران و جهان تبریک میگویم و امیدوارم برگزاری آن گامی بلند به سوی اهداف سوسیالیستی را رقم بزند. کنگره در شرایطی برگزار

میشود که جهان سرمایه درگیر در بحرانی عمیق به جان افشار خود نیز چنگ و دندان انداخته است و پلشتی خود را در اشکال گوناگون به روی مردم جهان قی میکند. و هر روز بر گستره و عمق جنایات خود می افزاید. همین وضعیت سراسر رنج بار مردم است که ما را فرامیخواند. جهان ما را صدا میزند. ما سوسیالیست ها، ما کمونیستها را. گوش خود را به این صدا بدهیم. ما را میخواند تا نقطه پایان بر فجایعی بگذاریم که در جای جای جهان صورت میگیرد.

نقطه آغاز این پایان در شرایط کنونی جامعه ایران است. امری که وظیفه خطیر کمونیست های ایران، به ویژه حزب کمونیست کارگری را، دو چندان میکند. حالا همه راهها نه به رم، که به ایران ختم میشود. این نکته ای است که بورژوازی نیز آن را دریافته است و تحولات بعدی آنرا عیان خواهد ساخت.

امیدوارم کنگره پاسخی به این شرایط و به وظیفه خطیر حزب باشد و بشود.

دستتان را می فشارم.
بهمن سرشار
اکتبر ۲۰۱۴

پیام به کنگره نهم حزب کمونیست کارگری ایران

با درود به آزادی با درود به انسانیت من زهرا هستم، از خوزستان کودکیم با نداری و با کار بسر رفت، جوانیم با معتادی تمام شد. کلیه ام را بخاطر درمان پدر بیمارم فروختم. تصورم این بود که این سرنوشت من است. آمدن، زنده بودن، فقر و ناکام از جهان رفتن. تا با حزب کمونیست کارگری ایران آشنا شدم. از طریق تلویزیون کانال

جدید و این حزب فهمیدم من انسانم. خواستهایی دارم که حق هر انسان است. خواستهایی روشن. فهمیدم که من انسانم و سرنوشتم در دستان خودم است. حزب زندگی تاریک من را روشنایی داد. اینک میدانم که برای خواسته هایم باید تلاش کنم. حزب به من آموخت که خواسته های خود را در جمع مردم روشن بیان کنم. چون خواسته های من انسانی و برحق است. خواسته های من عدالت و رفاه و برابری برای همه است و اینها خواسته های تمام جامعه است. به این ترتیب حزب به من آموخت که تنها نیستم و من امروز در هر جا و هر مکان خواسته های برحق خود را با هر جمعی بیان میکنم و آنها را مطالبه میکنم و مردم نه با من بلکه با حزب همصدا میشوند.

آری من انسانم و معنای واقعی زندگی را با حزب آموختم و دنیایی بهتر میخواهم. سخن ما با مردم اینست که سرنوشت همه ما با هم است. خواسته های ما روشن است. فقط کافیسست همدیگر را پیدا کنیم. کافیسست که اتحاد پیدا کنیم. و بر این رژیم دیکتاتوری غلبه پیدا کنیم و با دستهای خودمان جامعه ای آزاد و انسانی بسازیم. این چراغی است که حزیم در دل من روشن کرده است. من هم میکوشم این نور و روشنایی را به درون جامعه ببرم. چرا که میدانم راه پیروزی ما همین است.

ما انسانیم، درود بر انسانیت درود بر آزادیخواهی درود بر حزب کمونیست کارگری
اکتبر ۲۰۱۴

پیام به کنگره ۹ حزب کمونیست کارگری

به کنگره نهم حزب کمونیست کارگری ایران!

پیام من از گسترده ترین منطقه کارگری ایران؛ عسلویه بدست شما میرسد. حزب کمونیست کارگری ایران بعنوان نماینده راستین جنبش عدالتخواهی و برابری طلبی از ابتدا به امروز، در جدالی طبقاتی و همه جانبه با تمامی جریانانات بورژوازی اعم از ناسیونالیستی، رفرمیستی و گرایشات چپ بورژوازی، مشعل فروزان کارگران بوده و مبارزه بی کمونیست کارگری ایران علیه توحش سرمایه و مذهب حاکم بر ایران همواره نوبدبخش ما بوده است.

اعضا و شرکت کنندگان محترم در کنگره! با وجود دسترسی محدود ما بخاطر شرایط حاکم بر منطقه صنعتی عسلویه به برنامه های تلویزیون کانال جدید، نشریات حزب، اینترنت و ... همان اندک دسترسی نیز همیشه برای ما امید دهنده و البته چراغ راه ماست.

باتوجه به بایکوت خبری این منطقه کارگری توسط عوامل و ارگانهای وابسته به رژیم؛ بعنوان تلویزیونی و اینترنتی در صورت امکان اخبار مربوط به کارگران منطقه ویژه عسلویه مورد تاکید بیشتری قرار گیرد.

پاینده و پایدار باشید! پیروز باد حزب کمونیست کارگری ایران فرهاد رضایی از فعالین سازمان جوانان کمونیست، سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران.

حزب کمونیست کارگری و دنیای امروز

پیامی به کنگره نهم حزب

حزب کمونیست کارگری را بایست منطبق با دنیای جدید امروز دید تا بتوان ویژگی های آن و انتظاراتی را که از آن می رود دید. دنیای جدید مختصات ژئوپلیتیکی جدیدی به خود گرفته است. تحولات سیاسی که بعد از افول نظم نوین جهانی در حال اتفاق است نقشه ی دیگری را در افق دارد. این پلان با تحولات منطقه خاورمیانه خودنمایی می کند.

پیدایش و قدرت گیری داعش در عراق و سوریه نشان از تغییر ماهیت اسلام سیاسی به شکلی جدید بعد از افول آن جنبش پس از انقلابات شمال آفریقا و خاورمیانه را دارد. و این در بستری مهیا شده که دیگر نه قدرتهای بزرگ آمریکا و اروپا جایگاه قبلی خود را در دنیا دارند و نه سایر دول در مقیاس و ماهیت گذشته به حیات خود ادامه میدهند.

به جز تفاسیری که از طرف فعالین حزب ما به جامعه سیاسی ارائه شده، هیچ حزب و جریان یا مفسر سیاسی به این تغییر ناشی از این تحولات اشاره ای نداشته و ندارد. باید به دنیا فهماند که مقیاس قدرتهای غرب و شرق (امریکا و اروپا- روسیه و چین) در سطح بین المللی دیگر آن نقشه دوره نظم نوینی را در افق جامعه قرار نمی دهد و در خاورمیانه محورهای قدرت و نیز جایگاه دول موجود در سالهای گذشته به هیچ عنوان یکی نیست.

بایستی متدولوژی جدیدی را برای تحلیل وقایع سیاسی جهان به طور اعم و مسائل عراق و سوریه و جایگاه تازه اسلام سیاسی به سرکردگی نیروی داعش بطور اخص به دنیا ارائه نمود. باید تغییر ماهیت قطب بندی قدرتها در خاورمیانه و در سطح بین المللی را بستر اصلی تحولات و وقایع امروز گذاشت تا بتوان با روشن بینی سیاسی، نقشه عمل درست و انسانی را برای نجات جوامع عراق و سوریه و کردستان

از ارکان قدرت در ایران، توانسته ایم نقشه جامعه سیاسی در ایران را به کل تغییر دهیم و همین کار را نیز با جوامع خاورمیانه خواهیم کرد.

در دل انقلاب ۸۸ این حزب ثابت کرد که چقدر میتواند در تحولات سیاسی و انقلابی در جامعه ایران تاثیرگذار باشد و نشان داد که در جنگ قدرت میتواند به یکی از بازیگران اصلی صحنه سیاسی تبدیل شود. انقلاب ۸۸ اگر به سقوط رژیم منجر میشد، بدون شك جنگ اصلی قدرت جریانهای راست با حزب کمونیست کارگری اتفاق می افتاد و این حزب، حزب محبوب مردم و طبقه کارگر می گشت.

در کشاکش این مبارزه که حزب ما با رژیم حاکم بر ایران و بورژوازی عامل بدبختی و کشتار مردم در منطقه خواهد داشت بایست این مسئله را نیز به شکلی بسیار وسیع برجسته کند که بورژوازی به طور کامل در تمامی سطوح در بن بستی عمیق قرار گرفته است.

فریدمنسیم و مکتب شیکاگو در اقتصاد، نئولیبرالیسم در سیاست، اشکال فکری پست مدرنیستی در سیستم فکری و ایدئولوژی، همه و همه به انتها رسیده اند و بورژوازی به هیچ عنوان دیگر نه میتواند به آن افتخار کند نه میتواند به کاربستان دل خوش کند. این بن بست همه جانبه بورژوازی است. اما یکی دیگر از زوایای بن بست همه جانبه بورژوازی در آلترناتیو دولت سازی بسیار ملموس است. بورژوازی نه تنها در تونس و مصر و لیبی نتوانست آلترناتیو دولت سازی مطلوب برای خود را داشته باشد بلکه حتی نقشه و مدل جدیدی برای حفظ منافعش در این راستا ندارد. حتی مدل های اخیر دموکراسی های پارلمانی و موزائیکسی که در عراق و افغانستان پیاده کردند در حال فروپاشی اند و به شدت بی اعتبار گشته اند. این وضعیت، نقطه عطفی برای جنبش سوسیالیستی است که آلترناتیو انسانی و پیشرو و مدرن خود را در تمامی این

و تمامی مناطقی که تحت تاثیر این وقایع است تصویر کرد. این امر یکی از ضروری ترین مواردی است که بایست در دستور کار کنگره حزب قرار بگیرد. تبیین و تحلیل پیشرو و واقعبینانه از مختصات جدید دنیا و خاورمیانه باید از سطح تحلیل و تفاسیر فردی عبور کرده و به اسناد حزبی تبدیل گردد تا با توانی بیشتر به عمق نظرات سیاسی جامعه رسوخ کند. با این وجود است که میتوان نقش عمل و آلترناتیو سوسیالیستی و انسانی را به تنها تبیین و آلترناتیو قابل رجوع برای نه تنها مردم ایران بلکه برای مردم عراق و سوریه و سایر جوامع تبدیل کرد.

از حزب انتظار می رود که با ارتباط گسترده و مداوم با آزادیخواهان و مبارزین عراق و سوریه و کردستان، آنان را به تبیین سیاسی حزب و آلترناتیو سوسیالیستی برای خلاصی از جهمی که برای مردم درست شده به قناعت سیاسی رساند و نقش مهمی در مبارزه آنان نیز ایفا نماید.

باید دانست که تنها راه خلاصی از جهمی که بورژوازی در هر دوره ای به شکلی برای مردم در سطح دنیا فراهم میکند، کمونیسم کارگری است. این نه بعنوان برخوردی ایدئولوژیک و تفسیری بلکه "کمونیسم کارگری" بعنوان یک بازیگر اصلی تحولات سیاسی. کمونیسم کارگری را بایست به شکلی سازمانیافته و متحزب به این مقام در سطح منطقه ارتقا داد و این تنها به وسیله خود حزب کمونیست کارگری قابل اتفاق است.

ما این نیرو را داریم. گمان نمیکنم در طول تاریخ هیچ حزب کمونیستی که در قدرت نباشد توانسته باشد از چنین درجه و اعتبار برخوردار شود. حزب ما حزب عملی کردن افعال خارق العاده است. حزب تغییر دنیا. ما بدون دسترسی به هیچ یک

سطوح برجسته کرده و به تنها مدل قابل دفاع در سطح سیاست تبدیل کند و نیروی این کار حزب کمونیست کارگری است.

کنگره حزب همواره یکی از پرشورترین وقایع برای من و بسیاری از فعالین کمونیست و کارگران و آزادیخواهان در جامعه ایران بوده و هست. این حزب در هر دوره توانسته جای پای عمیقی در جامعه سیاسی ایران و همچنین در جنبش های مبارزاتی بگذارد. رادیکالیسم و پیشروی جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران بی شك مرهون سیاست دهی ها و نقش آفرینی های حزب بوده و خواهد بود.

باید دانست که چهره ایران و جهان بدون وجود حزب کمونیست کارگری بی شك بسیار سیاه میبود. رفقای حاضر در کنگره بایستی اهمیت آن را به شکل واقعی ببینند و بدانند که نه تنها مردم ایران بلکه مردم منطقه و جهان به حضور و نقش آنان چشم دوخته و امیدوارند. پس رسالت تاریخی بسیار پرشور و ارزشمندی برای تک تک شما خواهد بود.

ما رفقای داخل کشور دست یکایک شما را به گرمی میفشایم و خود را در کنار شما میبینیم. و همچنین انتظار داریم به هر میزان که ممکن بود کمونیست ها و آزادیخواهان سایر کشورها بخصوص فعالین سوریه و عراق و کردستان در کنگره حزب در کنار شما باشند.

زنده باد حزب کمونیست کارگری
کوروش متین
۱۳ مهر ۹۳

پرتوان باد نهمین کنگره حزب کمونیست کارگری

رفقا با درود به همه ی شما دستان را میفشارم و برگزاری نهمین کنگره حزبمان را تبریک میگویم. امیدوارم کنگره بتواند هرچه استوارتر به ضرورتهای مقابل خود در شرایط حاضر پاسخ دهد.

رفقا امروز مبارزه طبقاتی بورژوازی را آنچنان در مانده و

پیام به کنگره ۹ حزب کمونیست کارگری

مستاصل کرده است که چاره ای جز دست بردن به رذیلانه ترین سیاستها که همانا فاشیسم اسلام سیاسی می باشد، برایش باقی نگذاشته است و ما به عنوان کمونیستهایی که گلوگاه اسلام سیاسی یعنی جمهوری اسلامی زیر پاهایمان است امروز در جایگاه تاریخی سرنوشت سازی قرار داریم. آنچنان که ما میتوانیم بشریت را از این منجلاب دست ساخته ی سرمایه داری رهایی بخشیم. این وظیفه ی ماست که انسانیت و یک دنیای بهتر را فریاد بزنیم و انسانها را برای نابودی این لاشه ی متعفن بسیج کنیم.

باید نقاط قوتمان را به خوبی ببینیم تا با تکیه بر آنها بتوانیم سنگرهای پیش رویمان را فتح کنیم. رفقا بشریت امروز به ما نیاز دارد و ما را فرا میخواند تا پرچم زنده باد زندگی، زنده باد سوسیالیسم را هر چه پر توان تر به اهتزاز در آوریم و در مقابل سیاهی و پلییدی که امروز بورژوازی نصیب انسانها کرده است رنگ شادی و آزادی را به زندگی باز گردانیم. زنده باد حزب کمونیست کارگری زنده باد سوسیالیسم فرح صبری

پیام به رفقای شرکت کننده در کنگره نهم حزب کمونیست کارگری ایران

به تک تک رفقای شرکت کننده، این کنگره در شرایطی برگزار میشود که فقر و فلاکت، بیکاری و گرانی، اعتیاد و تن فروشی و ... در جامعه بیداد می کند و مردم برای نابودی این حکومت که تمام زندگی شان را به گروگان گرفته است، لحظه شماری میکنند.

در شرایطی که جواب حاکمیت به کارگرانی که خواهان

افزایش دستمزد هستند، شلاق و زندان و شکنجه است، که حاکمیت روزانه برای ارباب مردم چند نفر را به بهانه های مختلف به پای چوبه های دار میبرد، که شادی و خوشی را از جوانان گرفته، که میلیونها کودک را از تحصیل باز داشته و آنها را به کودکان کار تبدیل کرده، که زنان جامعه را از کوچکترین حق خود محروم کرده، که محیط زیست را نابود کرده و ... در چنین شرایطی است که وظیفه ما بعنوان نیرویی که خواهان سعادت و رفاه انسانها و خواهان برچیدن بساط وحشیگری داعشیان حاکم بر کشور هستیم صد چندان میشود.

ما بعنوان نیروی پیشرو جامعه باید بتوانیم با متحد کردن مردم و نیروهای چپ و کمونیست نقطه پایانی بر این بساط وحشیگری سرمایه داری بگذاریم.

حزب باید بتواند با در دستور قرار دادن یک برنامه منسجم و هدفمند و با متحد کردن همه کسانی که خواهان سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی و خواهان آزادی و برابری هستند، در جهت سرنگونی این حکومت فقر و تخریب و جنایت گامهای نهایی بردارد، تا بتوانیم بر ویرانه های این حکومت، دنیایی فارغ از فقر و نابرابری بنا کنیم.

خیلی مایل بودم در کنگره شرکت داشته باشم ولی متأسفانه مشکلات کار و زندگی امکان شرکت من در کنگره را غیر ممکن کرد.

به امید کنگره های متحد و پربار داوود رفاهی - دبی اکتبر ۲۰۱۴

با درود بی پایان به هیئت رهبری حزب کمونیست و کارگری ایران!

جهانبینی کمونیستی افتخار می کنیم از سایت حزب کمونیست کارگری و مقالات علمی، آموزشی رفقا استفاده می کنیم. نشریات شما سمت و سو دهنده مبارزات ما در افغانستان هم است. از جمله احزاب سیاسی پیروان دینش علمی طبقه کارگر یکی هم «سازمان رهایی بخش میهنی» است که از جمله رهبران جهانبینی علمی غیر راجستر شده دولت مزدور و دست نشانده امپریالیست های امریکا است که مشغول مبارزه غیر علنی می باشد که مرام آن را «نظام شورایی» تشکیل می دهد. «نظام شورایی» یک شیوه نا آشنا برای قاطبه مردم است. به ویژه مردم افغانستان. تبلیغات و نشریات ما در زمینه مربوط به عوامل محیطی

رفقا! قرار است که نهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران تدویر یابد. این حزب مشعل تابان طبقه کارگر ایران و جهان و بخصوص کارگران و روشنفکران کشورهای منطقه منجمله افغانستان است. درین آشفته بازار تهاجمی امپریالیستی به سردمداری امپریالیست های امریکا چشم امید همه بسوی جنبش های کمونیستی دوخته شده است. علاوه بر این که از برنامه های کانال جدید می آموزیم و لذت می بریم و بر

محدود و اندک است، از این رو پیشنهادها به عرض می رسانیم که در سایت و تلویزیون کانال جدید اگر این مورد را بیشتر مورد بررسی و نشریات قرار داده شود برای ما در این قسمت تاریخ ایران شهر سخت مفید و ارزنده میباشد.

دوم- برای شنیدن و دیدن جریان آنلاین کنگره از راه دور ما را راهنمایی فرمایید ممنون می شویم زنده و پیروز باد کمونیسم! پیروز باد حزب کمونیست کارگری ایران!

سید داوود مصباح
۲۷-۰۹-۲۰۱۴

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

"علیه تبعیض" در رسانه های سوئد

گفتگو با مهین علیپور



انترناسیونال: چندی پیش برنامه صبحگاهی تلویزیون سوئد و همچنین پرتیراژترین روزنامه های سوئد نظیر داگنر نیهر و افتون بلادت به معرفی یک برنامه تلویزیونی بنام علیه تبعیض پرداختند که در یک زیرزمین کوچک در جنوب شهر استکهلم تهیه میشود ولی در ایران و بسیاری کشورهای جهان از طریق تلویزیون کانال جدید و یا سایت های اینترنتی بینندگان فراوان دارد. در این گزارشها صحبتهای شما بعنوان یکی از تهیه کنندگان و مجریان این برنامه نقل شد. از زبان خودتان درباره "علیه تبعیض" بگوئید. آیا این فقط یک برنامه تلویزیونی است؟

مهین علیپور: علیه تبعیض یک جنبش است. جنبشی بزرگ که تمامی زنان و مردانی که به برابری و آزادی معتقدند، به آن تعلق دارند. من و این تلویزیون و مبارزه مان بخشی از این جنبش بزرگ بخصوص در خاورمیانه هستیم. همانطور که اشاره کردید این تلویزیون از یک زیر زمین کوچک پخش میشود

ولی نمادی از یک جنبش بزرگ است. یک جنبش برابری طلبانه که بطور روزمره با سیستمهای ضد زن و بخصوص آپارتاید جنسی در ایران و فرهنگ مردسالار جمهوری اسلامی، میجنگد. اسم برنامه تلویزیونی ما هم علیه تبعیض است. نظرات ما، اعتراض ما به وضع موجود و تابوشکنی ما، آنهم در حالی که حتی در همین کشور سوئد سیاست نسبیست فرهنگی تعرض به حقوق زنان و کودکان را بی اهمیت جلوه می دهد، توانست توجه رسانه های سوئد را به خود جلب کند. همچنین بروز بودن برنامه های ما وانعکاسش در دنیای مجازی موضوعی قابل توجه بود که همه اینها به شکلی چشمگیر در رسانه های مهم سوئدی مطرح شد.

انترناسیونال: این برنامه به چه شکل تهیه میشود. رسانه های سوئد درباره امکانات محدود شما صحبت کرده اند، بهتر است این را از زبان خودتان بشنومیم. بجز این چند نفر در تهیه این برنامه ها با شما همکاری دارند؟

همیشگی و بیشتر این برنامه ها به وضعیت زنان تحت حاکمیت یک آپارتاید جنسی ناب حاکم بر ایران میباید و سعی فراوان داریم که بهر طریقی به جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان در ایران کمک کنیم.

انترناسیونال: بنظر شما چه مسائلی در برنامه "علیه تبعیض" و فعالیت های آن توجه گزارشگران رسانه ها را بخود جلب کرد؟

مهین علیپور: برای خود منم جالب بود که چطور یک برنامه آنهم به زبان فارسی که از طریق ماهواره رو به ایران پخش میشود میتواند مورد توجه رسانه های بزرگ سوئدی از روزنامه، رادیو تا تلویزیون قرار بگیرد. آنها بطرق مختلفی متوجه این شدند که برنامه ما بطور وسیعی در دنیای مجازی پخش میشود و به مسائل روز و جهانشمول زنان میپردازد. آنها نیز متوجه این شدند که ما در مورد مسائل روز زنان در خارج ایران و همچنین مسائل لوکال و محلی صحبت میکنیم و با وجود امکانات بسیار محدود خود قابل دسترس و در زندگی و وضعیت زنان تاثیر گذار هستیم و از سوی دیگر تماس با ما آسان است. برنامه ما ارتباطی است و رابطی بین ایران و دنیای خارج برای تبادل فکری، اخبار جنبش های زنان و مسائل فرهنگی. ما برای کسب حمایت برای جنبش زنان در خاورمیانه و بخصوص در ایران تلاش میکنیم و رسانه های سوئد انعکاس این اعمال را در برنامه های ما دیدند.

انترناسیونال: در گزارش رسانه های سوئد موضوعات برنامه های شما قتل های ناموسی و ازدواج های اجباری عنوان شده است. بجز اینها چه موضوعاتی مضمون برنامه های شما را تشکیل می دهد؟

انترناسیونال: برنامه "علیه تبعیض" از تلویزیون ماهواره ای کانال جدید رو به ایران پخش می شود. ممکن است که جزئیات بیشتری در مورد آن بگوئید؟

مهین علیپور: این برنامه در روزهای شنبه ساعت ۱۰ شب بوقت ایران از کانال جدید هاتبرد NCTV پخش میشود.

انترناسیونال: روزنامه

افتون بلادت در گزارش خود از جمله به موضوع برنامه روز شما اشاره می کند که یک شخصیت مذهبی جمهوری اسلامی زنان را به کباب تشبیه می کند. ماجرا چه بود؟

مهین علیپور: آنروزها در ایران یکی از ملایان و مبلغان فرهنگ ضد زن جمهوری آپارتاید اسلامی در ایران طی یک سخنرانی زن را بمشابه چلو کباب تعریف کرده بود که باید روی آن گذاشته شود تا که دیگران هوس نکنند. در زمانی که این روزنامه با ما مصاحبه داشت این موضوع برنامه ما بود. شنیدن چنین اظهاراتی که عمق عقب افتادگی و بلاهت گوینده آن و همچنین ارتجاع حاکم بر ایران را نشان میدهد، برای خبرنگار سوئدی بسیار جالب بود. به همین دلیل آنرا در گزارش خود منعکس کرد.

انترناسیونال: در رسانه های سوئد از واکنش های بینندگان برنامه تان، از تشکر ها و قدردانی ها و از تهدیدات صحبت کرده اید. در این باره برایمان بیشتر بگوئید.

مهین علیپور: بیشترین واکنشها از جانب ایرانیان است که در خارج و بخصوص در سوئد زندگی میکنند و پیامهای خسته نباشید و زنده باشید، را میفرستند. برای همه جالب بود که یک برنامه تلویزیونی ماهواره ای به زبان فارسی به این صورت میتواند در رسانه های آنهم بزرگ سوئدی انعکاس یابد. از طرف غیر ایرانیان هم پیامهای مثبتی بسیاری دریافت کردم. ناگفته نماند که خود این رسانه ها من و تلویزیون را به صورت یک پایه برای کمک و همکاری پذیرفته اند.

انترناسیونال: چه درخواستی از مخاطبین خود دارید؟

مهین علیپور: درخواست نهائی من همکاری با ما و "علیه تبعیض" است. حمایت از جنبش های برابری طلبانه در خاورمیانه

از صفحه ۶

"گل همینجاست، همین جا برقص!"

شاهد این هستیم که جریانات مختلف اپوزیسیون دارند آلترناتیو سازی میکنند. تا آنجائیکه به موقعیت جنبش کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری برمیگردد به این مساله چگونه باید برخورد کرد؟ چه کارهایی را باید در این زمینه در دستور قرار داد؟

علی جوادی: همانطور که اشاره کردید جریانات مختلف اپوزیسیون، جنبشهای دست راستی و ارتجاعی در اپوزیسیون، در پی آلترناتیو سازی برای فردای جامعه ایران هستند و این یکی از واقعیتها و ویژگیهای امروز اپوزیسیون است. این واقعیت نشاندهنده این امر است که نیروهای مختلف اپوزیسیون اهداف واحد و یکسانی را دنبال نمیکنند. خواستها و انتظارات و آینده یکسانی را برای فردای جامعه ایران، پس از سرنگونی رژیم اسلامی، رقم نمیزنند. بینید بر خلاف تبلیغات عوامفریبانه جریانات راست اپوزیسیون "همه با همی" در پس تلاش برای سرنگونی رژیم اسلامی در کار نیست. جنبشهای متفاوت در اپوزیسیون علیرغم همسویی در سرنگونی رژیم اسلامی آینده کاملاً متفاوتی را دنبال میکنند. یکی برای یک آینده کاپیتالیستی که بازار و رقابت و سرمایه بار دیگر در ارتباط ارگانیک با سرمایه جهانی بر مقدرات و زندگی مردم حاکم خواهد شد، تلاش میکنند و دیگری برای اصلاح هیولای اسلامی و نتیجتاً حفظ آن تلاش میکند. تنها و تنها این اردوی عظیم کمونیسم کارگری است که برای آزادی و برابری و رفاه و یک جامعه آزاد سوسیالیستی تلاش میکند. بدون هیچ افرافی تنها این جنبش است که بیانگر خواست و تلاش واقعی مردم برای آزادی و

قاطع علیه رژیم اسلامی نقد و افشاء میکنیم. اما در عین حال باید دست به کار سازماندهی و شکل دادن به آلترناتیو سوسیالیستی و کارگری خود شویم و چپ جامعه را به دور آن گرد آوریم. ما نباید اجازه دهیم که جریانات دست راستی و محافظه کار اپوزیسیون با کمک دول غربی خود را آلترناتیو "مشروع" جامعه جلوه دهند و تلاش کنند که توده های مردم را یکبار دیگر از تحقق خواستها و آرزوهای خود محروم کنند. حزب کمونیست کارگری باید پرچمدار تحقق چنین تلاشی باشد. ما باید اردوی وسیع آزادیخواهی و برابری طلبی و چپ جامعه را که میخواهد از استبداد مذهبی خلاص شود، میخواد استثمار توده عظیم کارکن را که منشاء تمامی نابرابریها و سرکوبگریها و ستمهای جامعه است، درهم بشکند، میخواد به نابرابری و ستم بر زن برای همیشه پایان دهد، از ملزومات تحقق پیروزی خود محروم کنیم. کنگره ما باید به این مقوله بپردازد که چگونه میتوان به این حلقه پیشروی شکل داد و آن را به یک اهرم برای اتکاء توده های جامعه در مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی تبدیل کرد. ما باید به قالبی گسترده تر از تحزب کمونیسم کارگری برای تحقق آلترناتیو مورد نظر خود شکل دهیم.

محمود / حمادی: شما پیامتان به جامعه در رابطه با این کنگره چیست؟

علی جوادی: پیام من این است که من خوشحال در این کنگره شرکت خواهم کرد. دوست دارم دوستان و رفقای بسیاری در این خوشحالی من سهیم شوند. این کنگره در مقطع مهمی از تاریخ و حیات جامعه تشکیل میشود. ما تجربیات خیزش انقلابی توده های مردم در مصر را دیدیم. ما تجربه اعتراضات سرنگونی طلبانه عظیمی را در کشورهای منطقه را مشاهده کردیم، در عین حال ناکامی های

این مبارزات را مشاهده کردیم. ما جمع بندی روشن و صریحی از علل ناکامی و عدم موفقیت این اعتراضات داریم. ما بطور رسا اعلام میکنیم مادامیکه توده های مردم نتوانند آلترناتیو سیاسی خودشان، آلترناتیو رادیکال و رهاییبخش خودشان را در راس اعتراضات سرنگونی طلبانه جامعه قرار دهند، پیروزی تضمین نخواهد شد. آزادی تضمین نخواهد شد. رهایی تضمین نخواهد شد. برابری تضمین نخواهد شد. بلکه برعکس این اعتراضات سکوی پیشروی جریانات راست و ارتجاعی در اپوزیسیون رژیم اسلامی خواهد شد. به این اعتبار متشکل شدن، متحزب شدن، پیوستن به حزب

از صفحه ۱۲

"علیه تبعیض" در رسانه های سوئد

بخواهند با "علیه تبعیض" تماس بگیرند و با آن همکاری کنند، از چه طریقی می توانند اقدام کنند؟

مهین علیپور: از طریق شماره تلفن و آدرس ای میل که در اینجا می بینید می توانند با من تماس بگیرند:

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۷۷۷۳۱۳

آدرس ایمیل: mahin_alipour@yahoo.se

انترناسیونال: با تشکر از مهین علیپور و با آرزوی موفقیت بیشتر برای "علیه تبعیض"*

بخصوص در امر زنان به ما بپیوندید و به ما یاری کنید. ما از امکانات بسیار ناچیزی برخوردار هستیم. برای رستار شدن صدایمان و برای حمایت از میلیونها زن و کودک که هر روزه مورد تعرض عقب مانده اسلام سیاسی هستند، به کمک های مادی و معنوی شما نیازمندیم. همچنین به تلویزیون کانال جدید که این امکان را برای پخش برنامه های ما مهیا میکند باید بهر طریقی کمک کرد.

انترناسیونال: کسانی که

کمپین برای آزادی کارگران زندانی**شها دانشفار**

shahla_daneshfar@yahoo.com

00447779898968

بهرام سروش

bahram.soroush@gmail.com

0044-7852 338334

http://free-them-now.blogspot.com

اگر هنوز ریحانه زنده است، به دلیل حضور شما است!

مینا احدی

در همه جای دنیا هستیم، چرا که قتل عمد دولتی را جنایت میدانیم و می‌خواهیم اعدام در همه جا ممنوع شود. چرا که دادگاه حکومت اسلامی را قبول نداریم چرا که پاسخ قتل را قتل نمی‌دانیم، چرا که سیستم قضایی حکومت اسلامی را قبول نداریم...

اکنون نبرد برای زندگی ریحانه، یک نبرد مهم برای ما و برای آن‌ها در آن سوی خط شده... پشت خانواده مقتول قائم می‌شوند و از پدیده اعدام و از جنایت به اسم جامعه دفاع می‌کنند چون به آن احتیاج دارند...

می‌دانند که جامعه با احترام و سمپاتی به ما نگاه می‌کند، می‌خواهد کوتاه نیایند و می‌گویند شلوغ نباید می‌کردید در خفا با ما حرف می‌زدید درستش می‌کردیم، هیچ‌گاه هیچ فردی که سرور صدا در مورد پرونده اش ایجاد نشده با گفتگوهای درگوشی نجات نیافته است. در مورد ریحانه هفت سال پشت درهای بسته دوندگی و گفتگو انجام شد و یک روز گفتید طناب دار بر گردش می‌اندازید. اکنون که آبروی نظام برای هزارمین بار رفته باز از دالان‌های کپک‌زده وزارت اطلاعات تا دفاتر کار روحانی و ظریف و پورمحمدی و هر آنچه جانپان اسمشان هست، پیام می‌دهید که ساکت باشید تا حلقش کنیم. کمپین‌ها شما فقط می‌کشید.

این را آمار هزاران نفر اعدام شده در سی و پنج سال گذشته و آمار اعدام ۷۰۰ نفر در دوره روحانی جنایتکار اثبات می‌کند. ما که در مورد تعداد محدودی متأسفانه کمپین گذاشته‌ایم، چرا این ۷۰۰ نفر را کشتید. کسی کمپین گذاشته بود و یا خانواده مقتولی آزرده‌خاطر شده بودند نه! شما کشتید چون فقط با جنایت مردم را می‌ترسانید، اگر فقط یک روز اسلحه‌ها و خیل ارادل و اوباش وزارت اطلاعاتی‌ها را که در همه‌جا بو می‌کشند و تهدید می‌کنند، کنار بگذارید خواهید دید که مردم بساط حکومتتان را

چراغ قوه به آن‌ها نشان دادیم که در زیرزمین سیستم قضایی این حکومت چه خیراست؟ قاضی به زن جوان توهین می‌کند چون لاک ناخن دارد، چون با درایت و هوشیاری حرف می‌زنند، قاضی از زن متنفر است و بویژه از زنان آزاده و مغرور و باهوش!

باز پرس پرونده بادش می‌رود که قتل در ساعت فلان اتفاق افتاده و در گزارشی که به رسانه‌ها می‌دهد می‌گوید نیم ساعت قبل از وقوع قتل، اسناد را بررسی کرده است...

حکومتی است متعلق به قرن وسطی، چون مشتی معمم و مکلائی مفت خور و رذیل برای چاپیدن و در قدرت ماندن، به جنایت و ترساندن مردم احتیاج دارند این فلسفه اعدام در ایران است.

و چون تقریباً همه خانواده‌ها در ایران داغ اعدام را بر قلب دارند، در مقابل این حکومت یک نهال بارور شد به اسم جنبش علیه اعدام. جنبشی که علیه اعدام سیاسی‌ها مبارزه کرد و همچنین علیه اعدام کسانی که هیچ اتهام سیاسی نداشتند ولی

"قصاص قانون متعلق به قرون وسطی است، این قانون را بکار گرفته‌اید برای ساکت کردن مردم، برای زهرچشم گرفتن از مردمی که قوانین و سنت‌های قرون وسطایی شمارا پس می‌زدند. قانون خون ریختن را احتیاج دارید چون مردم قبولتان ندارند." ولی کدام یک از ما نمی‌دانیم که در ایران در مورد حکومت قاتلین داریم حرف می‌زنیم. بیشترین قتل‌ها در سی و پنج سال گذشته توسط خود حکومت انجام شده است. لیست اعدام‌ها در ایران از مرز صد هزار نفر

گزارشی به شما! یکشنبه روز جهانی دفاع از یکشنبه را پشت سر گذاشتیم. یکشنبه دنیا مهربان‌تر بود، یکشنبه هوا آبی‌تر بود، یکشنبه مردم به هم لبخند می‌زدند، یکشنبه قلب‌ها به هم نزدیک‌تر بود.

بعد از دوندگی‌های زیاد وقتی از یکی تشکر می‌کردم که خسته نباشد، گفت: اصلاً خسته نیستم احساس شادابی می‌کنم، وقتی تعدادی را دیدم که مستقل از اینکه به کدام حزب و یا سازمان تعلق دارند، باهم فریاد می‌زدند نه به اعدام و این صداها درهم‌آمیخته می‌شد، احساس می‌کردم می‌توانم پرواز کنم... از لس‌آنجلس تا تورنتو، از فرانکفورت تا لندن، از اسلو تا استکهلم، در همه جای جهان صدای هم را شنیدیم، یکشنبه در دنیا صدایی دیگر علاوه بر صدای گوش خراش داعشیان و صدای له شدن استخوان‌ها زیر بار سرمایه، به گوش دنیا رسید، صدای امکان‌پذیر بودن یک زندگی عاری از درد و رنج و خون و فغان، ملودی زیبای انسانیت.



پسر مقتول می‌گوید، عمویم از تیر خوردن پدرم و وجود زخم بزرگ در شکم پدرم حرف زده، عمویم اشتباه کرده جای چاقو بوده فکر کرده پدرم تیرخورده و سیستم قضایی راهش را ادامه می‌دهد... از این حرف‌ها در این پرونده به‌وفور می‌توان دید. یک دختر تا پای چوبه دار برده می‌شود... و ما کسانی که صدای این دختر را شنیدیم. ما کسانی که شانس داشتیم نوشته‌های او را بخوانیم، ما کسانی که خودمان را می‌توانستیم جای او بگذاریم، عزم جزم کردیم تا جایی که در توان ما است نگذاریم او را بکشند... چرا که مخالف اعدام

قربانی سیستم و تفکر و قوانین شریعت اسلامی بودند، از جمله ریحانه جباری! یک دختر در معرض تجاوز جنسی قرار می‌گیرد، از آشپزخانه چاقویی را برداشته و از خود دفاع می‌کند، فردی به قتل می‌رسد و این دختر به اتهام قتل سازماندهی شده یا قتل عمد در آستانه اعدام است. این را به جامعه مدرن و مترقی خبر دهید تا همه اگر وقتی داشته باشند مصروف دفاع از این جوان بکنند. ما همین کار را کردیم. دنیا بلند شده و می‌گوید این ناحق است. ما همچنین دست این مردم دنیا را گرفته و کمی با

گذشته است... اعدام اسم تلطیف شده قتل‌عامی است که در این جامعه اسلامی علیه مردم است، علیه معتقدین به ادیان دیگر، علیه بی‌خدایان و علیه منتقدین به حکومت و اسلام و... بکار می‌برند.

در ایران در سال ۱۳۶۰ اعدام ابتدا با قتل‌عام فعالین سیاسی آغاز شد. سپس همین حکومت برای بقا و دوام خود به اعدام مواد مخدری‌ها و متهمین به قتل دست زد. تاریخ اعدام در ایران با اعدام سیاسی‌ها آغاز شده است.

حکومت اسلامی ایران به اعدام احتیاج دارد. چون

ما یکبار دیگر در مقابل حکومتی ایستادیم که با چنگ و دندان و با هزار سفسطه و تهدید و عریده، می‌خواهد یک دختر جوان را بکشد.

چرا این همه تلاش بالاترین مقامات لشکری و کشوری یک حکومت چرا چنین عریده‌کشی و چرا چنین لودگی از سوی اطرافیان حکومت و کاسه‌لیسان و مدافعین نظام، چرا این همه تشنه به خون هستند؟ خودشان از زبان رهبرشان می‌فرمایند که این «قانون قصاص است، قصاص حق است و خانواده مقتول تصمیم گیرنده!» پاسخ این مردم از اقصی نقاط جهان به این جنابان این بود:

از صفحه ۵

داعش، چرا امروز؟

بگویم پست مدرنیسم آنقدر وضعش خراب است که شاخه پیش در راست لیبرالیسم کلاسیک قرار میگیرد. بنابراین اینها را نباید چپ و دارای جانی در جنبش چپ دانست. حتی با وسیعترین تعبیر از جنبش چپ اینها بیرونش می افتند. اینها ضد آمریکائی هستند و به همین خاطر متحد ارتجاع ضد آمریکائی هستند. اینطور نیست که فقط مترقیها ضد آمریکا هستند، مذهبون و دولتهائی نظیر جمهوری اسلامی و حماس و حزب الله هم ضد آمریکائی هستند. این "چپ" پست مدرنیست متحد این نیروهای ارتجاعی است و خودش هم صریحا این را میگوید. بنابراین ضدآمریکائی گری وقتی از زاویه این نیروها مطرح میشود کاملا عقب افتاده است. آنجا که باید به دولت آمریکا حمله کرد آنطور که ما حمله میکنیم، یعنی به

تئوریهای نئو کنسرواتیستی، به نسبی گرایی فرهنگی، به جا باز کردن برای مذهب در خود جوامع غربی، به اجازه دادن به دادگاههای شریعه و مسجدسازی و غیره و غیره، در تمام این موارد این ها با امپریالیسم هستند و هیچ دعوائی ندارند. آنجائی با دولت آمریکا مخالفند که آمریکا بخاطر منافع خودش دارد با داعش میجنگد. اینجا در کنار داعش می ایستند. به همین خاطر من این نیروها را شاخه چپ پست مدرنیسم و راست لیبرالیسم میدانم.

مریم نمازی: گرچه گفتم آخرین سؤال ولی یک سؤال دیگر هم دارم. کسانی میگویند نباید دخالت کرد بگذارید ببینیم داعش چکار میخواهد بکند و بعد موضع بگیریم.

حمید تقوائی: داعش

کارش را کرده است! داعش که در آکادمی و مشغول تئوری دادن نیست! دارد روی زمین سفت سر میببرد! دارد میلیون میلیون مردم را آواره میکند. دارد زنان را مثل کنیز خرید و فروش میکند. منظورتان چیست که باید صبر کنیم! داعش یک دولت است و خلافتش را براه انداخته است. میخواهم بگویم اینها همه بهانه های خنده آور و در عین حال مضمّن کننده ای است. اینها تهوع آور است. نمیشود جواب چنین نظراتی را داد. فقط باید جلوی خودتان را بگیرید که حالتان بهم نخورد و بالا نیورید! کسی که میگوید بگذارید ببینیم داعش چه میکند برود روی مدیای اجتماعی ببیند داعش دارد چکار میکند. از نظر شما اشکالی ندارد؟ خوبست؟ میشود زن را مثل کنیز خرید و فروش کرد؟ میشود مردم عادی را در پیاده روها به مسلسل بست؟ میشود سر آنها را جلوی دوربین برید؟ فکر نکنم این سئوالات جواب لازم داشته باشد.

مریم نمازی: خیلی ممنون.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

اگر هنوز ریحانه زنده است، به دلیل حضور شما است!

از صفحه ۱۴

یک روزه در هم خواهند پیچید و آنگاه «ارزش و احترام» آخوند در این جامعه را نظاره گر خواهیم بود، آن زمان باید به ما متوسل شوید برای جلوگیری از کشتار آخوندها و بازماندگان حکومت اسلامی!

پس تنها راه نجات ریحانه ها جنبش علیه اعدام است. تنها راه مقابله با پدیده اعدام و تنها راه بالا رفتن ارزش و احترام انسان و مقابله با انسان کشی، جنبشی است که ریشه دوانده و در پیچ و خم این مبارزات سخت، با جان سختی پیش رفته و تا اینجا رشد کرده است. ما وارد دور نهایی نبرد برای

نجات ریحانه می شویم. آخرین روند بازی شروع شده است. هشیار باشیم و آماده برای مقابله با تاکتیک های بعدی این حکومت. هدفشان این بود که در خفا روز سه شنبه او را بکشند، طوفان درو کردند و به سر خود زدند که چه غلطی کردیم. اکنون می کوشند این افتضاح سیاسی بزرگ برای نظامشان را به نحوی حل و فصل کنند. پیام من این است بهتر است که ریحانه را آزاد کنید. ولی ما این حکومت را می شناسیم. باید فشار بر این حکومت را افزایش دهیم تا روزی

و شاید همین روزها «در زندان شهر ری به اندازه پهنای شانهای ریحانه باز شود و او را در بین خودمان ببینیم، در آغوش مادرش و پدر و خانواده اش.» ما آماده باش هستیم و باید ببینیم امروز و فردا در ایران چه اتفاقی می افتد. همه حرکت های اینان را باید رصد کنیم و تصمیم بگیریم. ما همه شما عزیزان را در جریان آخرین تغییرات قرار خواهیم داد. فقط همه باید بدانیم سه شنبه ۷ اکتبر و چهارشنبه ۸ اکتبر روزهای تعیین کننده هستند. سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام/مینا احدی ۶ اکتبر ۲۰۱۴



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

گزارش تصویری از روز جهانی نجات ریحانه در شهرهای مختلف جهان



مالمو . سوئد



گوتنبورگ . سوئد



نس آنجلس . آمریکا



استکهلم . سوئد



تورنتو . کانادا



ونکوور . کانادا



ویکتوریا . کانادا



هانوفر . آلمان

گزارش تصویری از روز جهانی نجات ریحانه در شهرهای مختلف جهان



اسن - آلمان



آمستردام - آلمان



نسترف - آلمان



برلین - کانادا



سیدنی - آلمان



تریر - آلمان



فراکفورت - آلمان



کلن - آلمان

گزارش تصویری از روز جهانی نجات ریحانه در شهرهای مختلف جهان



اسلو، نروژ



لندن، انگلستان



افغانستان



ژاپن



ژورنال روزانه را بخوانید!
 ژورنال همه روزه بجز جمعه ها
 منتشر می شود
 سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com
 ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com



شلفتنو، سوئد

انترناسیونال
 نشریه حزب کمونیست کارگری
 سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی
 مسنول فنی: نازیلا صادقی
 ای میل: anternasional@yahoo.com
 انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!